

عنوان مقاله:

روایتی از خاندان جمشیدی تا ظهور فریدون

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب حماسی، دوره 18، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

حمیدرضا خوارزمی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ایران

خلاصه مقاله:

چکیده‌هاستوره‌ها روایتگر داستان‌های آغازین بشر هستند و در مرحله جدیدتر که انسان از اندیشه‌های بدوی به سمت زندگی تازه تری حرکت می‌کند، دیگر با پرسش‌های آغازین روبه‌رو نیست، بلکه با حماسه به نیازهای تازه خود پاسخ می‌دهد. در حماسه روایت منطقی-تری را از داستان‌ها شاهد هستیم. شاهنامه فردوسی به عنوان میراث مکتوبی از اسطوره‌های ایرانی، در قالب جدیدتر حماسه، بازگوکننده روایت‌هایی است که در کتاب‌های حماسی و اسطوره‌ای دیگر سینه به سینه نقل شده است. در این بین بعد از بیان منطقی سرگذشت قهرمانان به مانند کیومرث، هوشنگ، تهمورث و جمشید، گسست فرمانروایی در حاکمیت اهوراییان به وجود می‌آید و ضحاک فساد سلطنت را به دست می‌گیرد و بعد با ظهور فریدون، ضحاک، از صف قدرت بیرون می‌رود. در این دوره هزارساله حاکمیت ضحاک وارونه خوی، سرگذشت خاندان جمشیدی، ظهور و بروز خانواده فریدون و نسبت آنها با جمشیدیان روشن نیست. نگارنده با تکیه بر آثار حماسی و تاریخی دیگر، بخصوص کوش‌نامه، در پی آن است که این روایت را بازگو نماید. حاصل این پژوهش این است که جمشید پس از آواره شدن در هندوستان و زابلستان، با دختر خاقان و دختر شاه زابل ازدواج می‌کند و از یک شاخه، خاندان رستم و از شاخه دیگر خاندان فریدون به وجود می‌آیند. این پژوهش بنیادی است که به شکل توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است.

کلمات کلیدی:

حماسه، شاهنامه فردوسی، جمشید، فریدون

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1581894>

